یادداشت

مانع گازوئیلی تولید معادن

بهرام شکوری- رئیس کمیسیون معدن اتاق بازرگانی ایران

مساله سوخت امروز به یکی از چالش‌های جدی بخش معدن و صنایع معدنی کشـور تبدیل شده است؛ چالشی که دیگر فقط به افزایش قیمت گازوئیل محدود نیسـت، بلکه همزمان سه مساله «تامین»، «قیمت» و «نحوه تخصیص» را در برمی گیرد و مسـتقیما بر هزینه و استمرار تولید اثر گذاشته است.

نخستین و شاید فوری ترین مساله، عدم تامین کافی و به‌موقع سوخت مورد نیاز معادن است. بخش قابل توجهی از فعالیت‌های معدنی کشور در مناطقی انجام می‌شـود که دسترسی مناسبی به شبکه برق یا گاز ندارند و ماشین‌آلات اسـتخراج، بارگیری، حمل‌ونقل داخلی و سایر تجهیزات معدن وابسـتگی جدی بـه گازوئیل دارند. بنابراین کمبـود یا تاخیر در تخصیص سـوخت در معدن صرفا یک مشـکل جانبی نیست؛ می‌تواند مستقیما موجب کاهش تولید یا حتی توقف عملیات شود. اما این مشکل یک پیامد عجیب و نگران کننده دیگر نیز پیدا کرده است. وقتی سوخت مورد نیاز معدن به میزان کافی از مسیر رسمی تامین نمی‌شود، معدن کار برای اینکه فعالیت خود را متوقف نکند و کارگران و ماشـین‌آلاتش بیکار نمانند، ناچار می‌شود بخشی از سوخت مورد نیاز خود را از بازار آزاد تهیه کند. در چنین شـرایطی بعضا همین خرید سـوخت آزاد می‌تواند برای معدن کار مساله‌ساز شود و حتی منجر به تشکیل پرونده با عناوین مرتبط با قاچاق سوخت شود؛ در حالی که باید میان مبدأ قاچاق سوخت و مقصد مصرف سوخت تفاوت جدی قائل شد.

معدنـی کـه دارای پروانه بهره‌برداری، میزان اسـتخراج مشـخص، ماشـین‌آلات ثبت‌شده و سـابقه مصرف قابل محاسبه است و سوخت را بـرای ادامه فعالیت تولیدی خود مصرف می‌کند، اساسـا مقصد مصرف سوخت اسـت، نه مبدأ قاچاق آن. اگر دستگاه مسوول نتوانسته سوخت مورد نیاز این واحد تولیدی را به میزان کافی تامین کند و معدن کار برای جلوگیری از توقف تولید ناچار شـده است کسری سوخت خود را از بازار آزاد تهیه کند، منطقی نیست که همان تولیدکننده به دلیل تلاش برای ادامه فعالیت اقتصادی با اتهام قاچاق مواجه شود. در واقع تولیدکننده در چنین شـرایطی از دو جهت تحت فشار قرار می‌گیرد: ابتدا سوخت مورد نیازش به میزان کافی تامین نمی‌شود و سپس برای تامین همان کسری از بازار آزاد نیز ممکن است با برخورد قانونی و تشکیل پرونده مواجه شود.

راه‌حل این مسـاله نیز پیچیده نیسـت. میزان مصرف واقعی سوخت هر معدن بر اسـاس نوع و تعداد ماشـین‌آلات، ظرفیت استخراج، میزان تولید، فاصله حمل و سایر شاخص‌های فنی قابل محاسبه و کنترل است. بنابراین به جای برخورد با مصرف‌کننده واقعی، باید سامانه‌ای ایجاد شود که نیاز واقعی واحدهای تولیدی را شناسایی و سوخت متناسب با فعالیت واقعی آنها را تامین کند و همزمان مسیر انحراف سوخت از شبکه رسمی به سمت قاچاق را کنترل کند.

مسـاله دوم، افزایش شـدید هزینه سـوخت برای بخش تولید است. گازوئیلـی که زمانی با نرخ حـدود ۳۰۰ تومان در اختیـار بخش تولید قرار می‌گرفت، امروز با احتسـاب نرخ‌های جدید و هزینه‌های مترتب بر تامین آن، عملا می‌تواند برای تولیدکننده به حدود ۱۰ هزار تومان در هر لیتر برسد. طبیعی اسـت که چنین جهشی در قیمت یکی از نهاده‌های اصلی، سـاختار هزینه معادن را به‌شدت تحت تاثیر قرار دهد؛ به‌ویژه در معادنی که میزان مصرف سـوخت به‌ازای اسـتخراج و جابه‌جایی هر تن ماده معدنی بالاست.

مساله سـوم، نحوه برخورد با سـوخت دیزل‌ژنراتورها و نیروگاه‌های مسـتقر در معادن و کارخانه‌های فرآوری اسـت. در سـال‌های اخیر، به دلیل ناترازی برق و محدودیت‌هایی که برای صنایع و معادن اعمال شده، بسـیاری از واحدهای تولیدی ناچار شده‌اند با سرمایه خود دیزل‌ژنراتور و تجهیـزات تولید بـرق خریداری و نصـب کنند تا در زمـان قطعی یا محدودیت برق بتوانند تولید را ادامه دهند.

در چنین شـرایطی انتظار منطقی این اسـت که سوخت مصرفی این تجهیزات به‌عنوان سـوخت تجهیزات و تاسیسـات خط تولید شناخته شـود. اما در عمل در بسـیاری از موارد چنین اتفاقی نمی‌افتد و گازوئیل مـورد نیـاز این مولدهـا یا به میـزان کافی تخصیص داده نمی‌شـود یا تولیدکننده ناچار اسـت آن را با نرخ‌هایی نزدیـک به ۴۰ هزار تومان در هـر لیتر تامین کند. این وضعیت تناقض جدی در سیاسـتگذاری ایجاد کرده اسـت: از یک طـرف دولت به دلیل ناترازی انـرژی نمی‌تواند برق پایدار مورد نیـاز تولیدکننده را تامین کند؛ از طرف دیگر تولیدکننده با سرمایه خود مولد برق خریداری می‌کند تا تولید متوقف نشود؛ اما همان تولیدکننده برای تامین سوخت مولد خود نیز با محدودیت و قیمت‌های سنگین مواجه می‌شود.

به بیان ساده، تولیدکننده یک‌بار هزینه ناترازی برق را با خرید ژنراتور پرداخت می‌کند و بار دیگر هزینه همان ناترازی را با خرید گازوئیل گران می‌پردازد. آثار این مساله در معادن زغال‌سـنگ، معادن فلزی، معادن واقع در مناطق دورافتاده و همچنین کارخانه‌های فرآوری جدی‌تر است. در کارخانـه فرآوری نیـز قطع برق فقط به معنای چند سـاعت کاهش تولید نیسـت؛ توقف و راه‌اندازی مجدد خطوط، کاهش راندمان، افزایش اسـتهلاک و در برخی فرآیندها برهم خوردن شـرایط پایدار عملیاتی، هزینه‌های مضاعفی به واحد تولیدی تحمیل می‌کند.

افزایـش هزینه سـوخت نیـز در نهایـت فقط در صورت‌هـای مالی شـرکت‌های معدنی باقی نمی‌ماند. افزایش هزینه اسـتخراج و فرآوری بـه کل زنجیره منتقل می‌شـود و قیمت تمام‌شـده مـواد اولیه صنایع پایین‌دسـتی را افزایش می‌دهد. بنابراین مسـاله گازوئیل مسـتقیما با رقابت‌پذیـری تولید، قیمت تمام‌شـده محصولات، اشـتغال و صادرات کشـور ارتبـاط دارد. بخـش خصوصی معتقد اسـت دولـت باید میان «مصرف سـوخت» و «مصرف سـوخت برای تولید» تفکیک قائل شود. همان‌طور که ماشـین‌آلات اصلی معدن بخشی از فرآیند تولید هستند، دیزل‌ژنراتوری که در شرایط قطع برق انرژی خط تولید را تامین می‌کند نیز بخشـی از تجهیزات تولید اسـت و سـوخت آن باید با همین منطق تخصیص یابد.

بحث بر سـر این نیسـت که قیمت انرژی برای همیشـه ثابت بماند یا اصلاح قیمت‌ها صورت نگیرد. مسـاله این اسـت که اصلاح قیمت بدون تامین پایدار انرژی و بدون فراهم کردن امکان تطبیق برای تولیدکننده، عملا به افزایش هزینه و کاهش تولید منجر می‌شود. اگر قرار است قیمت گازوئیل بخش تولید افزایش پیدا کند، باید در مقابل، تامین آن تضمین شـود، نظام تخصیص شـفاف و قابل پیش‌بینی باشد و سوخت مورد نیاز دیزل‌ژنراتورها و نیروگاه‌های مسـتقر در معادن و واحدهای فرآوری نیز به‌عنوان سوخت تولید به رسمیت شناخته شود.

نمی‌توان سوخت مورد نیاز تولیدکننده را تامین نکرد، او را مجبور کرد برای جلوگیری از توقف تولید سوخت را از بازار آزاد تهیه کند و بعد همان تولیدکننده را به دلیل خرید سـوخت مورد نیـاز تولید در جایگاه متهم قرار داد. مبارزه با قاچاق باید متوجه منشأ انحراف سوخت باشد، نه واحد تولیدی شناسـنامه‌داری که مقصد نهایی مصرف آن اسـت. انرژی برای بخش معدن یک کالای جانبی نیسـت؛ یکـی از نهاده‌های اصلی تولید اسـت. هر سیاستی در حوزه سوخت که بدون توجه به این واقعیت اتخاذ شـود، در نهایت هزینه آن را نه فقط معدن‌کار، بلکه کل زنجیره تولید و اقتصاد کشور پرداخت خواهد کرد.

به مناسبت روز ملی صنایع کوچک، صمت نگاهی به ظرفیت معادن کوچک انداخت:

از دل معدن تا رونق صنایع کوچک

گروه معدن
editor@smtnews.ir

روز ملی صنایع کوچک فرصتی اسـت بـرای بازخوانی نقش فعالیت‌های کوچک‌مقیـاس در اقتصـاد؛ فعالیت‌هایـی کـه شـاید در آمـار تولیـد و سـرمایه‌گذاری در سـایه پروژه‌های بزرگ قرار بگیرند، اما در بسـیاری از مناطق کشور سهم قابل توجهی در اشتغال و گردش اقتصادی دارند. بخش معدن نیز از این قاعده مسـتثنی نیسـت. معادن کوچـک در نقاط مختلف کشور، به‌ویژه مناطق کم‌برخوردار، بخشی از ظرفیت اشتغال و تولید محلی را به دوش می‌کشـند و تعطیلی یا غیرفعال شـدن آنهـا می‌تواند فراتر از توقف یک واحد معدنی، اقتصاد پیرامون را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

صمت در ایـن گـزارش، به مناسـبت روز ملـی صنایع کوچـک، جایگاه معادن کوچک در تولید، اشـتغال و توسـعه مناطق را بررسـی کرده است؛ معادنی که بـرای ادامه فعالیت با چالش‌هایی همچـون تأمین مالی، کمبود زیرساخت، دسترسـی محدود به فناوری و دشواری ایجاد زنجیره فرآوری روبه‌رو هستند. پرسش اصلی اینجاست که آیا سیاست‌های حمایتی کشور متناسب با شرایط این بخش طراحی شده و چگونه می‌توان ظرفیت معادن کوچـک را از یک فعالیت محدود اسـتخراجی به موتور توسـعه اقتصادی مناطق تبدیل کرد؟

مسئله فقط تولید یک ماده معدنی نیست

علیرضا قاسـمی، کارشـناس حوزه معدن، در گفت‌وگو با صمت با اشاره به این موضوع اظهار کرد: وقتی درباره صنایع کوچک صحبت می‌کنیم، نباید فقط به واحدهایی فکر کنیم که در شـهرک‌های صنعتی مسـتقر هستند. بخشی از فعالیت‌های اقتصادی کوچک‌مقیاس در نقاطی شـکل گرفته که شـاید از نظر جغرافیایی و زیرسـاختی فاصله زیادی با مراکز صنعتی داشـته باشند. معادن کوچک نمونه‌ای روشـن از این ظرفیت هستند و در بسیاری از مناطق، فعالیت آنها مستقیماً با معیشت و اقتصاد جامعه محلی ارتباط دارد.

وی افزود: تفاوت مهم معدن کوچک با معدن بزرگ در همین ارتباط با محیط پیرامون اسـت. یک معدن بزرگ ممکن اسـت به واسطه حجم سرمایه‌گذاری، ماشین‌آلات و ساختار مدیریتی خود بتواند بخشی از نیازهایش را مستقل تأمین کند، اما معدن کوچک معمولاً به شبکه‌ای از خدمات محلی، حمل‌ونقل، نیروی انسانی، تعمیرکاران، تأمین‌کنندگان و واحدهای فرآوری وابسته است. بنابراین فعـال بودن یک معدن کوچک می‌تواند فعالیت مجموعه‌ای از کسـب‌وکارهای دیگر را نیز به همراه داشته باشد.

قاسـمی ادامه داد: یکی از اشـتباهات در ارزیابی معادن کوچک این اسـت کـه تنها میزان اسـتخراج آنها مـورد توجه قرار می‌گیـرد. در حالی که ارزش اقتصادی این معادن باید در یک زنجیره بزرگ‌تر دیده شـود. ممکن است یک معدن از نظر میزان تولید در مقایسـه با یک مجموعه بزرگ عدد قابل توجهی نداشـته باشـد، اما همان معدن برای یک منطقه محروم، یک منبع اشـتغال و درآمد پایدار باشـد. این کارشـناس معدن اظهار کـرد: اگر یک معدن کوچک در منطقـه‌ای فعالیت کند، علاوه بر کارکنان مسـتقیم، رانندگان، پیمانکاران، تعمیرکاران، فروشـندگان تجهیزات و خدمات و حتی واحدهای فرآوری اطراف نیز از آن منتفع می‌شوند. بنابراین تعطیلی چنین معدنی فقط به معنای توقف اسـتخراج نیست؛ بلکه می‌تواند بخشـی از اقتصاد محلی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل در سیاسـت‌گذاری معدنی باید بین یک معدن کوچک در یـک منطقه برخوردار و یک معدن کوچـک در یک منطقه کم‌برخوردار تفاوت قائل شد. سیاست یکسان برای همه معادن لزوماً نتیجه یکسانی ایجاد نمی‌کند.

▣ کوچک‌ها بیشتر با مشکل سرمایه روبه‌رو هستند

قاسـمی با اشاره به چالش‌های مالی معادن کوچک گفت: یکی از جدی‌ترین مشکلات این بخش، دسترسی محدود به منابع مالی است. معدن برای رسیدن بـه مرحلـه تولید به سـرمایه نیـاز دارد و حتی یک معدن کوچـک نیز بدون ماشـین‌آلات، عملیات اکتشـافی، راه دسترسـی و تجهیزات ایمنی نمی‌تواند فعالیت اقتصادی مناسـبی داشته باشد. مسئله اینجاست که بسیاری از معادن کوچک از نظر توان مالی در موقعیتی نیسـتند که بتوانند به‌راحتی هزینه‌های توسـعه‌ای خود را تأمین کنند. در نتیجه، گاهی معدن دارای ذخیره مناسـب اسـت اما به دلیل کمبود نقدینگی یا نبود سـرمایه‌گذار توانمند، غیرفعال باقی می‌ماند. این کارشناس حوزه معدن تصریح کرد: حمایت از معدن کوچک نباید صرفاً به پرداخت تسـهیلات محدود شود. اگر تسهیلات با فرآیندهای طولانی، وثایق سـنگین و نرخ‌های نامتناسب ارائه شـود، در عمل به حل مشکل کمک چندانـی نمی‌کند. حمایت واقعی باید متناسـب با شـرایط این معادن طراحی شـود. قاسـمی یکی دیگر از مشـکلات معادن کوچک را ضعف زیرسـاخت‌ها دانست و گفت: بسیاری از این معادن در مناطقی قرار دارند که از جاده مناسب، بـرق، آب یا امکانات ارتباطی کافی برخوردار نیسـتند. برای یک معدن بزرگ، امکان سـرمایه‌گذاری مسـتقل در برخی زیرساخت‌ها بیشـتر است، اما چنین هزینه‌ای برای یک معدن کوچک ممکن اسـت از نظر اقتصادی توجیه نداشته باشد. اینجا نقش دولت و سیاست‌گذار اهمیت پیدا می‌کند. اگر قرار است معدن کوچک در توسـعه یک منطقه نقش داشته باشد، باید بخشی از زیرساخت‌های عمومی مورد نیاز آن نیز توسعه پیدا کند. نمی‌توان از یک سرمایه‌گذار کوچک انتظار داشت به‌تنهایی هزینه ایجاد همه زیرساخت‌های منطقه را پرداخت کند.

به گفته قاسـمی، توسعه راه‌های دسترسی، شبکه برق و امکانات ارتباطی در مناطق معدنی می‌تواند علاوه بر معدن، برای سایر فعالیت‌های اقتصادی منطقه نیز مزیت ایجاد کند.

▣ چرا خام‌فروشی هنوز برای کوچک‌ها جذاب است؟

این کارشـناس معدن در ادامه به موضوع فرآوری اشاره کرد و گفت: یکی از چالش‌های مهم معادن کوچک این اسـت که بسـیاری از آنها توان ایجاد واحد فرآوری مسـتقل ندارند. وقتی ماده معدنی بـدون فرآوری یا با حداقل فرآوری فروخته می‌شـود، بخش قابل توجهی از ارزش اقتصـادی آن در همان منطقه ایجاد نمی‌شـود. قاسـمی اظهار کرد: راه‌حل می‌تواند ایجاد واحدهای فرآوری مشـترک باشـد. چند معدن کوچک که به‌تنهایی امکان سرمایه‌گذاری در یک واحـد فرآوری را ندارند، می‌توانند در قالب کنسرسـیوم یا همکاری مشـترک از یک مجموعه فرآوری اسـتفاده کنند. چنین مدلـی می‌تواند هم هزینه‌ها را کاهش دهد و هم ارزش افزوده بیشـتری در منطقه ایجاد کند. در این صورت، مفهوم صنایع کوچک و معادن کوچک نیز به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شود؛ چراکه می‌توان در کنار یک معدن، واحدهای کوچک فرآوری، بسته‌بندی، خدمات فنی و حتی تولید محصولات معدنی ایجاد کرد. قاسـمی با اشاره به نقش اجتماعی معـادن کوچک گفت: اگر بخواهیم یک شـاخص مهم برای اهمیت این معادن انتخاب کنیم، اشـتغال یکی از مهم‌ترین آنهاست. بسیاری از معادن کوچک در مناطقی فعالیت می‌کنند که فرصت‌های شـغلی متنوعی وجود ندارد. بنابراین همین فعالیت محـدود معدنی می‌تواند برای تعدادی از خانواده‌ها منبع درآمد باشـد. وی ادامه داد: موضوع اشتغال فقط تعداد افرادی نیست که مستقیماً در معدن کار می‌کنند. باید اشـتغال غیرمسـتقیم را نیز محاسبه کرد. حمل‌ونقل، خدمات فنی، تأمین قطعات، تعمیر ماشین‌آلات و حتی کسب‌وکارهای خدماتی اطراف معدن از فعالیت معدن تأثیر می‌پذیرند.

این کارشناس حوزه معدن گفت: از این منظر، فعال‌سازی یک معدن کوچک می‌توانـد در برخی مناطق اثر اقتصادی بیشـتری از یک واحد صنعتی کوچک داشـته باشـد؛ زیرا معدن معمولاً در محلی ایجاد می‌شود که منبع معدنی در همان منطقه وجود دارد و امکان انتقال فعالیت به نقطه دیگری را ندارد.

قاسـمی با انتقاد از نگاه یکسـان به همه معادن اظهار کرد: یکی از مسـائلی که باید در سیاسـت‌گذاری اصلاح شود، توجه به تفاوت میان معادن است. یک معدن کوچک ممکن است ذخیره مناسب، بازار فروش و زیرساخت داشته باشد و تنها مشکلش تأمین ماشین‌آلات باشد؛ معـدن دیگری ممکن اسـت همزمان با مشکل اکتشـاف، راه دسترسی، فرآوری و بازار مواجه باشد.

وی افزود: بنابراین نسـخه واحد برای همه معـادن کوچک جـواب نمی‌دهد. ابتدا باید مشـکل هر معدن شناسـایی شـود و بعد حمایت متناسـب با همان مشکل ارائه شـود. در غیر این صورت، ممکن است منابع حمایتی هزینه شود اما نتیجه‌ای در افزایش تولید و اشتغال حاصل نشود.

▣ روز صنایع کوچک؛ فرصتی برای بازتعریف نگاه به معدن

این کارشـناس معدن معتقد اسـت روز ملی صنایع کوچک می‌تواند فرصتی برای توجه بیشـتر به ظرفیت‌های کوچک‌مقیاس در بخش معدن نیز باشد. وی گفت: اگر هدف از حمایت از صنایع کوچک، ایجاد اشتغال، توسعه مناطق کمتر برخوردار، افزایش تولید و تقویت بخش خصوصی اسـت، معادن کوچک نیز از همین منظر قابل بررسی هستند.

قاسـمی ادامه داد: البته نباید مرز میان سیاسـت صنعتی و سیاست معدنی را نادیـده گرفت، اما می‌توان از تجربـه حمایت از صنایع کوچک برای طراحی سیاسـت‌های مناسب‌تر در حوزه معادن کوچک استفاده کرد. ایجاد شبکه‌های تخصصی، تسـهیل تأمین مالی، توسعه زیرساخت مشـترک، تقویت فناوری و ایجاد بازارهای فروش می‌تواند به فعال شـدن این بخش کمک کند. وی افزود: مهم این است که معدن کوچک را صرفاً یک واحد استخراجی با تولید محدود نبینیـم. معدن کوچک می‌تواند نقطه آغاز یک زنجیره اقتصادی در یک منطقه باشد؛ زنجیره‌ای که از استخراج شروع می‌شود و به فرآوری، خدمات، اشتغال و حتی صادرات می‌رسد. قاسمی در پایان خاطرنشان کرد: معادن کوچک شاید از نظر میزان سرمایه‌گذاری و حجم تولید با معادن بزرگ قابل مقایسه نباشند، اما اثـر آنها را باید در مقیاس منطقه‌ای ارزیابی کرد. اگر یک معدن کوچک بتواند چند ده یا چند صد شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند و فعالیت اقتصادی یک منطقه را رونق دهد، نمی‌توان آن را یک فعالیت حاشیه‌ای دانست. روز ملی صنایع کوچک باید فرصتی باشد برای اینکه دوباره درباره مفهوم «کوچک» فکر کنیم. کوچک بودن یک واحد به معنای کوچک بودن اثر اقتصادی آن نیسـت. در بخش معدن نیز اگر سیاسـت‌گذاری به سمت شناسایی ظرفیت‌های واقعی، تأمین مالی هدفمند، توسـعه زیرسـاخت و ایجاد زنجیـره ارزش حرکت کند، معادن کوچک می‌توانند سهم بیشتری در تولید، اشتغال و توسعه مناطق کمتر برخوردار داشته باشند.

این کارشـناس حوزه معدن تأکید کرد: آینده بخش معدن فقط در گرو چند پروژه بزرگ نیسـت. بخشـی از این آینده در معادن کوچک و پراکنده‌ای قرار دارد که اگر فعال شـوند، می‌توانند در کنار تولید مـاده معدنی، موتور حرکت اقتصاد محلی باشـند. مسـئله اصلی این است که این ظرفیت را ببینیم و برای آن سیاست مشخص داشته باشیم.

> فعال‌سازی یک معدن کوچک می‌تواند در برخی مناطق اثر اقتصادی بیشتری از یک واحد صنعتی کوچک داشته باشد؛ زیرا معدن معمولاً در محلی ایجاد می‌شود که منبع معدنی در همان منطقه وجود دارد و امکان انتقال فعالیت به نقطه دیگری را ندارد

توسعه فقط در اطراف پروژه‌های بزرگ اتفاق نمی‌افتد

مهدی شـفیعی، کارشـناس حوزه فلزات غیرآهنی، در گفت‌وگو با صمت اظهار کـرد: وقتـی درباره توسـعه صنعتی صحبت می‌کنیـم، معمولاً نگاه ما به سـمت پروژه‌هـای بزرگ می‌رود؛ پروژه‌هایی که سـرمایه‌گذاری سـنگین دارند، ظرفیت تولیـد بالایی ایجاد می‌کننـد و در آمارهای کلان دیده می‌شـوند. اما اقتصاد فقط بـا پروژه‌های بزرگ شـکل نمی‌گیرد. بخش مهمی از فعالیت اقتصادی کشـور در واحدهای کوچک و متوسـط جریان دارد و در حوزه معدن نیز همین مسـئله قابل مشـاهده است. معدن کوچک را نباید صرفاً به دلیل حجم پایین تولید، یک فعالیت کم‌اهمیت تلقی کرد. در بسـیاری از مناطق، همین معدن کوچک ممکن است تنها فعالیت اقتصادی پایدار باشـد و ده‌ها فعالیت دیگر را به خود وابسـته کند. شفیعی ادامـه داد: یکی از مزیت‌های معادن کوچک، پراکندگی آنهاسـت. معدن به دلیل ماهیت خود نمی‌تواند مانند یک کارخانه به نقطه‌ای منتقل شـود که زیرسـاخت کامل دارد؛ ذخیره معدنی در یک موقعیت جغرافیایی مشـخص قرار گرفته اسـت. بنابراین اگر سیاسـت‌گذار بخواهد از ظرفیت معدن برای توسعه منطقه‌ای استفاده کند، باید معادن کوچک را نیز در این معادله ببیند. به گفته وی، فعالیت یک معدن کوچک می‌تواند موجب شکل‌گیری بازار برای حمل‌ونقل، خدمات فنی، تعمیرات، تأمین قطعات، نیروی انسانی و سایر خدمات شود. این زنجیره شاید در گزارش‌های رسـمی به‌صورت کامل دیده نشـود، اما در اقتصاد محلی اثر قابل توجهی دارد. اگر معـدن کوچک تعطیل شـود، فقط یک واحد تولیدی از مدار خارج نشـده اسـت؛ بلکه ممکن اسـت مجموعه‌ای از فعالیت‌های وابسته نیز کوچک‌تر یا متوقف شوند. شـفیعی یکی از مشـکلات اصلی بخش معدن را نگاه یکسان به واحدهایی دانست که شرایط کاملاً متفاوتی دارند و گفت: معدن بزرگ و کوچک از نظر ساختار مالی، توان خرید تجهیزات، دسترسی به منابع بانکی، قدرت مذاکره و حتی تحمل نوسان قیمت، شرایط یکسانی ندارند. وی افزود: یک معدن بزرگ ممکن است بتواند برای مدتـی افزایش هزینه‌های انرژی یا حمل‌ونقـل را مدیریت کند، اما همین افزایش هزینه برای یک معدن کوچک می‌تواند مرز میان سـودآوری و زیان باشد. بنابراین سیاسـتی که بدون توجه به اندازه و موقعیت معدن طراحی شـود، ممکن است در عمل فشار بیشتری به واحدهای کوچک وارد کند.

این کارشـناس فلزات غیرآهنی ادامه داد: حمایت از معادن کوچک باید هدفمند باشـد. قرار نیسـت برای همه معادن یارانه یا تسهیلات یکسان در نظر گرفته شود، بلکه باید مشـخص شـود مشکل هر معدن چیسـت و حمایت دقیقاً در کدام نقطه می‌تواند فعالیت آن را اقتصادی کند.

▣ مشکل از جایی شروع می‌شود که معدن کوچک، تنها می‌ماند

شـفیعی با اشـاره به محدودیت‌های سـرمایه‌گذاری در این بخـش اظهار کرد: بسـیاری از معادن کوچک به دلیل محدودیت منابـع مالی نمی‌توانند همزمان در اکتشاف، ماشین‌آلات، زیرسـاخت، فرآوری و توسعه بازار سرمایه‌گذاری کنند. در نتیجه، ممکن اسـت یک ذخیره معدنی مناسب وجود داشته باشد اما بهره‌برداری از آن در مقیاس اقتصادی انجام نشـود. اینجا بایـد مدل‌های جدید همکاری مورد توجـه قرار گیرد. چند معـدن کوچک می‌توانند برای تأمین ماشـین‌آلات، ایجاد واحـد فـرآوری یا حتـی بازاریابی محصولات بـا یکدیگر همـکاری کنند. چنین رویکردی می‌تواند بخشـی از ضعف مقیاس را جبران کند. به گفته شـفیعی، ایجاد کنسرسـیوم‌های معدنی و توسعه خدمات مشترک می‌تواند یکی از راه‌های کاهش هزینه برای معادن کوچک باشـد. شـفیعی درباره نقش معادن کوچک در اشتغال اظهار کرد: اشـتغال ایجادشده توسط معدن را نباید فقط با تعداد کارکنان مستقیم سنجید. معدن در یک منطقه فعالیت می‌کند و مجموعه‌ای از خدمات پیرامون آن شکل می‌گیرد. وی افزود: راننده‌ای که مواد معدنی را حمل می‌کند، تعمیرکاری که ماشین‌آلات را سرویس می‌کند، فروشنده‌ای که قطعات و تجهیزات عرضه می‌کند و مجموعه‌ای که خدمات فنی ارائه می‌دهد، همگی به نوعی با فعالیت معدن در ارتباط هسـتند. به همین دلیل، تعطیلی معدن کوچک می‌تواند آثار اجتماعی بیشتری از آنچه در آمارهای رسـمی دیده می‌شـود داشته باشد. مخصوصاً زمانی که معدن در یک منطقه کم‌برخوردار قرار گرفته باشـد. شـفیعی معتقد اسـت سیاست‌گذاری معدنی باید علاوه بر افزایش تولید، به ماندگاری سرمایه در مناطق معدنی نیز توجه کنـد. وی گفت: اگر یک منطقه صرفاً محل اسـتخراج ماده معدنی باشـد و ارزش افزوده، خدمات و سـرمایه از آن خارج شـود، سـهم جامعه محلی از فعالیت معدن محدود خواهـد بود. یکی از راه‌های اصلاح این وضعیت، ایجاد حلقه‌های مکمل در کنار معادن کوچک اسـت. فرآوری، تولید محصولات پایین‌دستی، خدمات فنی و حتی آموزش نیروی انسـانی می‌تواند بخشـی از اقتصاد منطقه را به فعالیت معدن پیوند دهد. به گفته شـفیعی، ایـن رویکرد می‌تواند معـدن را از یک فعالیت صرفاً استخراجی به یک محرک توسعه منطقه‌ای تبدیل کند.

▣ فناوری برای کوچک‌ها، نه فقط غول‌های معدنی

این کارشـناس حوزه فلـزات غیرآهنی همچنین بر ضرورت دسترسـی معادن کوچـک به فنـاوری تأکید کرد و گفت: فنـاوری نباید فقط در اختیـار پروژه‌های بزرگ قرار بگیرد. امروز ابزارهایی مانند سـنجش‌ازدور، سیستم‌های مدیریت داده، تجهیزات اکتشـافی جدید و فناوری‌های بهینه‌سازی فرآیند می‌توانند در مقیاس کوچک نیز مورد اسـتفاده قـرار گیرند. البته انتظار نداریـم هر معدن کوچک یک مجموعه فناوری مسـتقل ایجاد کند. می‌توان خدمات فناورانه را به شکل اشتراکی ارائه کرد. این همان مدلی اسـت که می‌توانـد فاصله میان معدن کوچک و فناوری روز را کاهش دهد.

شـفیعی ادامه داد: دانشگاه‌ها، شـرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز خدمات معدنی می‌تواننـد در ایـن بخش نقـش مهمی داشـته باشـند و خدمات تخصصـی را به چندیـن معـدن ارائـه کنند. شـفیعی با اشـاره به روز ملی صنایـع کوچک اظهار کرد: این مناسـبت می‌تواند فرصتی باشد تا دربـاره بخش‌هایـی از اقتصاد صحبت کنیم که شـاید در مقیاس ملی کوچک به نظر برسـند، اما در سـطح منطقـه‌ای اهمیت زیادی دارند. معـادن کوچک از نظر سـاختار حقوقی و اقتصادی الزاماً همان صنایع کوچک نیسـتند، اما از نظر نیاز به سرمایه، دسترسی به فناوری، زیرساخت، بازار و حمایت هدفمند، مسائل مشترکی با بنگاه‌های کوچک دارند. بنابراین می‌توان از تجربه سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک برای طراحی مدل‌های حمایتی مناسب‌تر در معدن نیز استفاده کرد. مسئله اصلی نباید بزرگ یا کوچک بودن معدن باشد. پرسش مهم این است که یک معدن چه ظرفیتی برای ایجاد ارزش افزوده، اشـتغال و توسـعه منطقه‌ای دارد و چگونه می‌توان این ظرفیت را فعال کرد.

▣ کوچک بودن، نباید به معنای بی‌پشتوانه بودن باشد

شـفیعی در پایان گفت: اگر یک معدن کوچک به دلیل نبود سرمایه، زیرساخت، فناوری یا بازار تعطیل شـود، بخشـی از یک ظرفیت اقتصـادی از بین می‌رود. در مقابل، اگر همین معدن با یک سیاسـت درست فعال شود، می‌تواند در یک منطقه اشـتغال ایجاد کند، به صنایع پایین‌دستی خوراک برسـاند و گردش اقتصادی به وجود آورد. آینده معدن فقط به توسعه چند پروژه بزرگ وابسته نیست. بخش قابل توجهی از ظرفیت معدنی کشـور در پروژه‌هایی قرار دارد که مقیاس آنها کوچک‌تر است اما تعدادشان زیاد و پراکندگی‌شان گسترده است. اگر سیاست‌گذار بتواند این ظرفیت‌ها را به شـبکه‌ای از تولید، فرآوری و خدمـات تبدیل کند، معادن کوچک می‌توانند نقش بسیار مهم‌تری در اقتصاد ایفا کنند. روز ملی صنایع کوچک می‌تواند یک یادآوری جدی برای بخش معدن باشـد؛ اینکه توسعه زمانی پایدار خواهد بود که فقط به دنبال سـاخت پروژه‌های بزرگ نباشـیم و برای فعالیت‌های کوچک اما پراکنده‌ای که در نقاط مختلف کشـور اشتغال و ارزش اقتصادی ایجاد می‌کنند نیز برنامه داشـته باشـیم. کوچک بودن یک معدن، نباید به معنای کوچک بودن سهم آن در توسعه باشد.

> فعالیت یک معدن کوچک می‌تواند موجب شکل‌گیری بازار برای حمل‌ونقل، خدمات فنی، تعمیرات، تأمین قطعات، نیروی انسانی و سایر خدمات شود

سخن پایانی

معادن کوچک شـاید در مقایسـه با پروژه‌های بزرگ سـهم کمتری در تولید داشـته باشند، اما در بسـیاری از مناطق، نقش مهمی در اشتغال و رونـق اقتصادی ایفا می‌کنند. حمایت از این معادن از مسـیر تأمین مالی، توسعه زیرساخت، دسترسی به فناوری و ایجاد واحدهای فرآوری می‌تواند به تداوم فعالیت آنها کمک کند. روز ملی صنایع کوچک فرصتی اسـت تا این بخش از معدن نیز بیشـتر دیده شـود؛ چراکه توسعه معدنی فقط به پروژه‌های بزرگ وابسـته نیسـت و فعال ماندن معادن کوچک می‌تواند به حفظ اشتغال و پویایی اقتصادی مناطق مختلف کشور کمک کند.